

محاكمه مدیران جامعه بهائی ایران ظاهراً به پایان رسیده است

چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰



نیویورک - به نظر میرسد محاکمه هفت رهبر جامعه بهائیان ایران، که بیش از دو سال است در ایران زندانی هستند، پس از سه جلسه متمادی در روزهای گذشته، امروز به پایان رسیده است.

این هفت نفر صبح روز شنبه ۲۲ خرداد در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب حاضر و اندکی پس از ظهر به زندان اوین بازگردانده شدند. دادگاه روز بعد و امروز هم به کارش ادامه داد.

بانی دوگال، نماینده ارشد جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل گفت: «ما تأیید می کنیم که امروز جلسه دادگاه در تهران تشکیل شد. بر اساس شنیده‌های ما به نظر میرسد که این دادگاه خاتمه یافته است اما در حال حاضر هیچ اطلاع بیشتری در این زمینه نداریم.»

این هفت زندانی عبارتند از خانم فریبا کمال آبادی، آقای جمال الدین خانجانی، آقای عقیف نعیمی، آقای سعید رضائی، خانم مهوش ثابت، آقای بهروز توکلی و آقای وحید تیزفهم.

آنها پیش از دستگیری به امور اولیه اجتماعی و معنوی جامعه ۳۰۰۰۰۰ نفر بهائیان ایران رسیدگی می‌کردند. خانم ثابت در ۱۴ اسفند ۱۳۸۶ و شش نفر دیگر در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ دستگیر شده اند.

محاكمه این هفت نفر روز ۲۲ دی ۱۳۸۸ پس از ۲۰ ماه که آنها را بدون هیچ اتهامی در زندان نگه داشته بودند آغاز شد. در اولین جلسه دادگاه که در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب ایران برگزار شد بهائیان تمام اتهامات وارده از جمله جاسوسی، فعالیت تبلیغی علیه نظام اسلامی و "افساد فی الارض" را مطلقاً رد کردند.

دومین جلسه دادگاه در ۱۸ بهمن ۱۳۸۸ بیشتر صرف رسیدگی به روند

اجرائی دادگاه شد. سومین جلسه دادگاه در روز ۴ اردیبهشت که گفته شده بود غیرعلنی خواهد بود پس از آن که زندانیان -در مشورت با وکلایشان- در اعتراض به حضور افراد غیر مسئول در دادگاه از مشارکت در جریان محاکمه خودداری کردند تعطیل شد.

زندگی نام این هفت نفر را در اینجا بخوانید.

وقف زندگی برای خدمت: نمایه ای از زندگی هفت زندانی بهائی
۲۴ بهمن ۱۳۸۷ (۱۲ فوریه ۲۰۰۹)

ژنو سرویس خبری جامع جهانی بهائی ۱۲ فوریه ۲۰۰۹ (۲۴ بهمن ۱۳۸۷)

آنچه که ملاحظه میفرمائید خلاصه ای است از نمایندگان زندگی هفت رهبر بهائی که هم اکنون در زندان اوین بسر میبرند. شش نفر از آنان در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شدند. هفتمین نفر، قبل از اعضای دیگر، و در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۸ (۱۵ اسفند ۱۳۸۶) در مشهد دستگیر شد.

نمایندگان زندگی این افراد نشان میدهد که هم آنها به نحوی گسترده به ایران زمین و به جامع بهائی خدمت نمودند. در عین حال، همانند بسیاری دیگر از ایرانیان بهائی، آنان نیز کم و بیش، از آغاز جمهوری اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، مورد اذیت و آزار قرار گرفتند.

دستگیری این هفت نفر بهائی در این زمان، از این جهت که بعنوان «یاران ایران» (گروه هماهنگ کنند امور جامع بهائی) موقعیت رهبری جامع بهائی در سطح ملی را بعهده داشتند، خطر ویژه ای برای آنان در بر دارد. تمامی نهادهای انتخابی و انتصابی بهائی حدود سی سال پیش، پس از انقلاب اسلامی، از طرف دولت ممنوع اعلام شد. با فقدان شورای رهبری ملی در ایران (بنام محفل روحانی ملی)، گروه «یاران ایران» با اطلاع کامل دولت ایران تشکیل شد و از آن زمان تا بحال بعنوان گروهی غیر رسمی برای هماهنگ کردن امور جامع بهائیان ایران شروع به کار کرد. دولتهای متعددی که از آن زمان در ایران روی کار آمده اند، همگی از وجود «یاران ایران» آگاهی داشته اند؛ در حقیقت، طی این سالها، دولت ایران مرتباً با اعضای یاران ایران، و اغلب بطور غیر رسمی، در ارتباط بوده است.

هفت نفری که در بهار امسال دستگیر شدند تمامی اعضای گروه یاران را تشکیل میدهند و این یکی از دلائلی است که دستگیری دست جمعی

آنان زنگ خطر شدیدی را به صدا در آورده است. هم آنها بدون هیچگونه اعلام جرمی بازداشت شده اند در حالیکه گزارش سایت نیمه رسمی ایسنا این هفته خبر داد که پرونده این زندانیان به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل، توهین به مقدسات، و تبلیغ علیه نظام» به دادگاه انقلاب ارجاع داده شده است.

در نمائندگی این شهروندان بهائی، به مؤسس علمی آزاد اشاره شده است. بهائیان ایران این مؤسسه را در اواخر دهه ۱۹۸۰ (اواخر دهه ۱۳۶۰)، بعنوان راه چاره ای برای ادامۀ تحصیلات عالی دانشجویان بهائی که از اوائل انقلاب از حق تحصیل در دانشگاه های دولتی و خصوصی محروم شده بودند، تأسیس کردند. بنابراین، بسیاری از اعضای یاران یا خانواده های ایشان در این مؤسسه، و در مؤسس وابسته به آن بنام مؤسس عالی معارف بهائی، تحصیل و یا تدریس کرده اند.

در بیان خدمات داوطلبانه ای که این افراد به جامعۀ بهائی تقدیم کردند، اشاره به نهادهای دیگری نیز از قبیل شوراهای حاکم ملی و محلی بنام محافل روحانی، لجنه و کمیته های مختلف، یا هیئت معاونت، بعمل آمده است که کلاً شامل افرادی هستند که برای الهام بخشیدن و تشویق و ترویج آموزش و یادگیری، انتخاب شدند. دولت ایران شمار زیادی از این نهادها را برای اذیت و سرکوبی بهائیان غیر قانونی اعلام کرد و سپس تعطیل نمود.

اسامی گروه یاران به ترتیب حروف الفباء ذکر میشود.

آقای وحید تیزفهم - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

آقای وحید تیزفهم، ۳۵ ساله، عینک ساز و صاحب مغاز عینک سازی در شهر تبریز، تا اوائل سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) در آن شهر میزیسته و پس از آن به تهران نقل مکان نمود.

ایشان در ۱۶ می ۱۹۷۳ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۲) در شهر ارومیه متولد شد و کودکی و جوانی خود را در آنجا گذراند. پس از کسب دیپلم در رشته ریاضی در سن ۱۸ سالگی به تبریز آمد تا در رشته عینک سازی به تحصیلات خود ادامه دهد. وی مدتی بعد در مؤسس عالی معارف بهائی در رشته جامعۀ شناسی به تحصیل مشغول شد.

آقای تیزفهم در سن ۲۳ سالگی با خانم فروزنده نیکومنش ازدواج کرد

که حاصل آن پسری بنام صمیم است که الان ۹ سال دارد و کلاس چهارم دبستان است.

از آغاز جوانی، آقای تیزفهم در سِمَت های مختلفی به جامعه بهائی خدمت کرده است. ایشان مدتی عضو لجنه ملی جوانان بهائی بود. ایشان همچنین معلم کلاسهای کودکان بهائی بود و در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) به عضویت یاران ایران منصوب شد.

آقای بهروز توکلی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

آقای بهروز توکلی، ۵۷ ساله، به شغل مددکار اجتماعی اشتغال داشت که در اوائل دهه ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) بعلت اعتقاد به آئین بهائی از کار دولتی خود اخراج شد. پیش از دستگیری اخیر، ایشان بطور متناوب بازداشت شده و مورد اذیت و آزار قرار میگرفت. سه سال پیش، برای مدت چهار ماه، و بدون هیچ جرمی، در سلول انفرادی بسر برد.

ایشان در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) در مشهد متولد شد و در دانشگاه به تحصیل در رشته روانشناسی پرداخت. پس از اتمام دو سال خدمت در ارتش (در رتبه ستوانی)، و تکمیل دوره های آموزشی، و سپس تخصص در سرپرستی از معلولین جسمی و ذهنی، بکار دولتی مشغول شد تا اینکه در اوائل دهه ۱۹۸۰ (سال ۱۹۸۰ یا ۱۹۸۱) (۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱) بعلت این که بهائی بود، از کار برکنار شد.

آقای توکلی در سن ۲۳ سالگی با خانم طاهره فخری توسکی ازدواج نمود که از آن صاحب دو پسر بنامهای نعیم و نبیل شد. نعیم، که ۳۱ سال دارد مهندس راه و ساختمان است و اکنون با همسرش در کانادا زندگی میکند. نبیل که ۲۴ سال دارد در مؤسسه علمی آزاد به تحصیل در رشته معماری مشغول است.

در اوایل دهه ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) آقای توکلی، هنگامیکه هنوز دانشجوی دانشگاه بود، به عضویت در شورای حاکم محلی بهائی در شهر مشهد انتخاب شد و بعد از آن در شورای محلی دیگری در شهر ساری خدمت کرد. این نهادهای مشورتی در اوائل دهه ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) بدستور دولت تعطیل شد. ایشان همچنین در چند لجنه جوانان عضویت داشت و در اوائل دهه ۱۹۸۰ به عضویت هیئت معاونت در آمد. ایشان در اواخر دهه ۱۹۸۰ به عضویت گروه یاران منتصب شد.

بعد از آنکه آقای توکلی از شغل دولتی خود محروم شد، برای تکفل

خانواده و امرار معاش، مغازه کوچکی نجاری در شهر گنبد کاووس تأسیس کرد و در همان شهر، کلاسهای برای مطالعات بهائی برای جوانان و بزرگسالان برقرار نمود.

ایشان توسط مسئولین امور متناوباً بازداشت میشد. یکی از بدترین نمونه های این دستگیری سه سال پیش بود که طی آن مأمورین وزارت اطلاعات، ایشان و خانم فریبا کمال آبادی را به مدت ۱۰ روز، بدون اطلاع به کسی، در بازداشت نگاه داشتند. پس از آن، آقای توکلی به مدت چهار ماه در زندان بود که در این مدت بطور جدی دچار مشکلات کلیوی و ارتوتیک (orthotic) شد.

خانم مهوش ثابت - در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۸ (۱۵ اسفند ۱۳۸۶) در مشهد دستگیر شد

خانم مهوش ثابت، ۵۵ سال دارند و قبل از اینکه بعثت اعتقاد به آئین بهائی از کار دولتی خود در بخش تعلیم و تربیت اخراج شوند، معلم و مدیر دبستان بودند. در ۱۵ سال گذشته مدیریت مؤسسه علمی آزاد، که راه چاره ای برای تحصیلات عالی جوانان بهائی بشمار می آید، را بعهده گرفتند. ایشان به سمت منشی گروه یاران ایران را نیز خدمت میکردند.

خانم مهوش ثابت در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۵۳ (۱۵ بهمن ۱۳۳۱) در اردستان بدنیا آمد و هنگامیکه کلاس پنجم دبستان بود (با خانواده خود) به تهران نقل مکان کرد. در دانشگاه در رشته روانشناسی به تحصیل پرداخت و به دریافت درجه لیسانس نائل آمد.

ایشان شغل خود را با معلمی دبستان آغاز نمود و سپس به سمت مدیریت در چند دبستان به خدمت مشغول شد. در راستای تخصص حرفه ای خویش، با کمیته ملی سوادآموزی ایران همکاری داشت ولی بعد از انقلاب اسلامی، مانند هزاران معلم و آموزگار دیگر بهائی، از کار خود اخراج گردید و سپس از اشتغال به هرگونه کار آموزشی دولتی تحریم شد.

بعد از این ممنوعیتها، خانم ثابت مدیریت مؤسسه علمی آزاد را پذیرفت و در آن مؤسسه به تدریس روانشناسی و مدیریت پرداخت.

ایشان در تاریخ ۲۱ می ۱۹۷۳ (۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۲) با آقای سیاوش ثابت ازدواج کرد و صاحب پسری بنام فرود ثابت، ۳۳ ساله، و دختری بنام نگار ثابت، ۲۴ ساله، شد که هر دو در همدان متولد شدند.

درحالیکه هم‌اکنون اعضای یاران در منازل خود در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در تهران دستگیر شدند، خانم ثابت در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۸ (۱۵ اسفند ۱۳۸۶) در مشهد دستگیر شد. هرچند که ایشان در تهران زندگی میکند، بنا برخواست وزارت اطلاعات مشهد به آن شهر احضار شد. این احضار ظاهراً برای این بود که به سئوالاتی درباره‌ی خاکسپاری یک شهروند بهائی در قبرستان مشهد پاسخ دهد.

آقای جمال الدین خانجانی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲ اردیبهشت ۱۳۱۲) در منزل خود دستگیر شد

آقای جمال الدین خانجانی، ۷۵ ساله، کارخانه دار مشهوری بود که بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تجارت خود را بخاطر اعتقاد به آئین بهائی از دست داد و در بسیاری از سالهای دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰) با تهدید به مرگ تحت تعقیب مأمورین دولت بود.

ایشان در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۳۳ (۵ مرداد ۱۳۲۱) در شهر سنگسر دنیا آمد و در مزرعه ای در سمنان بزرگ شد. به این ترتیب نتوانست بیش از حد دیپلم به تحصیلات خود ادامه دهد. در عین حال، شخصیت پُرتوان او موفقیتش را در تولیدات صنعتی تضمین نمود و بعنوان یک بهائی لایق شهرت یافت.

ایشان مدتی کارمند شرکت پپسی کولا در ایران بود که ریاست قسمت سفارشات را بعهده داشت و بعد از آن شرکتی برای تولید زغال تأسیس نمود. ایشان سپس به تأسیس کارخانه آجرسازی پرداخت که اولین کارخانه ای در نوع خود بود که مراحل تولیدی را بصورت خودکار درآورد. این کارخانه موفق شد صدها نفر را استخدام نماید.

در اوائل دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰)، بعزت اعتقاد به آئین بهائی آقای خانجانی را مجبور کردند که آن کارخانه را تعطیل و ترک کند که باعث بیکاری اکثر کارمندان شد. دولت آن کارخانه را مصادره نمود.

خدمات داوطلبانه آقای خانجانی به جامعه بهائی در ابعاد مختلفی جلوه گر شد. از جمله خدمات ایشان عبارت است از عضویت در محفل روحانی محلی اصفهان، عضویت هیئت معاونت در حد ناحیه ای، و عضویت در سومین محفل روحانی ملی ایران در اوائل دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰). چهار عضو از اعضای ۹ نفر این محفل در تاریخ ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) بعزت باورهای خود به دین بهائی اعدام شدند.

پس از این واقعه، آقای خانجانی در زمینی که متعلق به خانواده او بود مزرعه ای با تجهیزات ماشینی تأسیس کرد، ولی مسئولین دولتی محدودیتهای متعددی برای ایشان ایجاد کردند بطوریکه امرار معاش را دشوار مینمود. این محدودیتهای به اولادان و بستگان ایشان هم تعمیم داده شد چنانکه از پرداخت وام به ایشان امتناع ورزیدند، کار و کسب را بر آنان ممنوع کردند، داد و ستد تجاری را مسدود نمودند، و سفر به خارج از ایران را قدهن کردند.

جناب خانجانی در اواسط دهه ۱۹۵۰ (دهه ۱۳۳۰) با خانم اشرف سبحانی ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد. فریدا خانجانی، ۵۱ ساله، درچین به شغل کاپروپراکتیک مشغول است. ماریا خانجانی، حدوداً ۴۹ ساله، هنرمندی است که با شوهر و دو فرزندش در تهران زندگی میکند. آقای علاءالدین خانجانی، حدوداً ۴۸ ساله، عینک ساز و با همسر و دو فرزندش مقیم تهران است. و خانم امیلیا خانجانی، حدوداً ۴۵ ساله، با همسر و دو فرزندش در تهران سکونت دارد.

قبل از دستگیری کنونی ایشان، آقای خانجانی حداقل سه بار دستگیر و زندانی شده بود. بعد از اینکه ایشان سالها متواری بود، در اواخر دهه ۱۹۸۰ (۱۳۶۰)، دستگیر و به مدت دو ماه زندانی شد. در این مدت بشدت مورد بازجویی قرار گرفت ولی در طی آن توانست راه را برای متقاعد کردن مسئولان امور باز کند که از ویژگی صلح آمیز آئین بهائی آگاهی یابند. در نتیجه این اقدام، ایشان و بسیاری دیگر از زندانیان بهائی آزاد شدند.

آقای سعید رضایی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

آقای سعید رضایی، ۵۱ ساله، مهندس کشاورزی است که بیش از ۲۰ سال با موفقیت مدیریت یک شرکت ماشین آلات کشاورزی را در استان فارس بعهده دارد. ایشان در حوزه مطالعات بهائی از علم و دانش شناخته شده و فراگیری برخوردار است و چند کتاب نوشته است.

آقای رضائی در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۷ (۵ مهر ۱۳۳۶)، در آبادان متولد شد و دوران کودکی خود را در شیراز سپری کرد و در آنجا دبیرستان را با امتیاز به اتمام رساند. سپس از طریق بورسی که از خارج کشور تأمین میشد در رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه شیراز فارغ التحصیل شد.

در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰)، با خانم شهین روحانیان ازدواج کرد و صاحب دو

دختر و یک پسر گردید. مارثا، ۲۴ ساله، مشغول تحصیل در رشته علوم کتابداری است. مامن، ۲۱ ساله، در رشته معماری تحصیل میکند. پیوند، ۱۲ ساله، سال دوم راهنمایی را سپری میکند.

آقای رضائی از دوران جوانی بطور فعالانه ای به جامعه بهائی خدمت کرده است. سالها معلم کلاس کودکان بوده و در دوره های «آموزش بهائی» و «روش زندگی بهائی» به خدمات شایانی نائل شد. وی همچنین عضوی از اعضای مؤسس ملی آموزش بهائی بود.

او یکی از دانشمندان بهائی و از نویسندگان بهائی است و به سمت مشاور دانشگاهی به خدمت دانشجویان بهائی مشغول بوده است.

در اوائل دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰)، هنگامیکه اذیت و آزار بهائیان دامنه وسیع و شدیدی پیدا کرده بود، آقای رضائی به شمال ایران نقل مکان کرد و برای مدتی بعنوان مدیر کشاورزی مشغول به کار شد. او سپس به کرمان رفت و به شغل نجاری و کارهای متفرقه دیگری پرداخت که یکی از دلایل آن مشکلاتی بود که شهروندان بهائی برای امرار معاش با آن مواجه گردیدند چون از حق اشتغال در بخش دولتی و خصوصی محروم شده بودند.

آقای رضائی در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، با یکی از دوستان بهائی خود در استان فارس شرکتی مربوط به ماشین آلات کشاورزی تأسیس نمود. این شرکت با موفقیت شایانی روبرو شد و مورد احترام کشاورزان منطقه قرار گرفت.

او بخاطر اعتقاد به آئین بهائی با اذیت و آزار گوناگونی مواجه شد از جمله اینکه در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) دستگیر و زندانی شد و مدت ۴۰ روز را در سلول انفرانی گذراند.

دو دختر ایشان در میان ۵۴ نفر جوان بهائی بودند که در ماه می ۲۰۰۶ در شیراز، درحالیکه در طرحی که برای کمک به کودکان بی بضاعت شرکت کرده بودند، دستگیر شدند. هرچند آنها بعداً آزاد شدند، ولی سه نفر از همکارانشان با اتهام به جرم های بی اساسی به چهار سال زندان محکوم شدند و هم اکنون دور حبس خود را در شیراز سپری میکنند.

خانم فریبا کمال آبادی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

خانم فریبا کمال آبادی، ۴۶ ساله، روانشناسِ رشد و مادر سه فرزند است. او در ایام جوانی، بخاطر این که بهائی است از ورود به دانشگاه دولتی محروم شد. از آنجا که ایشان خدمات داوطلبانه ای به جامعه بهائی کرده بود دوبار در سالهای اخیر دستگیر شد و یکبار برای یک ماه و بار دیگر برای دو ماه بازداشت بود تا اینکه در ماه اردیبهشت دوباره دستگیر و زندانی شد.

خانم کمال آبادی در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۲ (۲۱ شهریور ۱۳۴۱) در تهران متولد شد. از آنجا که دانش آموزی فوق العاده بود از دبیرستان با رتبه عالی فارغ التحصیل شد ولی از ورود به دانشگاه محرم ماند. بعد از سن سی سالگی، طی هشت سال، مطالعات عالی خود را در رشته روانشناسیِ رشد در مؤسسه علمی آزاد به پایان رساند. بهائیان ایران این مؤسسه را بعنوان راه چاره ای برای ادامه تحصیلات عالی دانشجویان جوان بهائی تأسیس کردند.

خانم کمال آبادی در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) با آقای روح الله طائفی ازدواج کرد. آنها دارای سه فرزند هستند. ورقا طائفی، حدوداً ۲۴ ساله، درجه دکتراي خود را در علوم سیاسی و روابط بین الملل از انگلستان دریافت کرد و الان دور تحقیقاتی خود را در چین میگذراند. الحان طائفی، ۲۳ ساله، در مؤسسه عالی معارف بهائی رشته روانشناسی تحصیل کرد. ترانه طائفی، ۱۴ ساله، در تهران مشغول تحصیل در دبیرستان است.

اذیت و آزار خانم کمال آبادی بعلت اعتقاد وی به آئین بهائی مدتی است که ادامه دارد. پدر ایشان در خدمات درمانی دولتی به طبابت مشغول بود و در دهه ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) بعلت اعتقاد به آئین بهائی از کار برکنار شد و بعد از آن زندانی گردید و در زندان مورد شکنجه قرار گرفت.

آقای عقیف نعیمی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

آقای عقیف نعیمی، ۴۷ ساله، صنعتگری است که نتوانست رؤیای خود را، که تحصیل در رشته طب و طبابت بود، برآورده کند بعلت اینکه از حق تحصیل در دانشگاه محروم شده بود. او به تجارت روی آورد که یکی از تنها گزینه هائی است که بهائیان میتوانند از آن طریق امرار معاش نمایند. او شغل پدر همسرش را که اداره کارخانه پتو سازی و نساجی بود بعهدہ گرفت.

آقای نعیمی در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۶۱ (۱۵ شهریور ۱۳۴۰) در یزد متولد شد. هنگامیکه بیش از سه سال نداشت پدرش از دنیا رفت و او مدتی در منزل عمویش پرورش یافت. هنوز دوران دبستانی را میگذراند که او را به اردن فرستادند تا با بستگان خود در آن کشور زندگی کند. هرچند که اصلاً عربی نمی دانست، بزودی در کلاس خود رتبه اول را احراز کرد.

خدمات داوطلبانه و فعالان ایشان به جامعه بهائی از دیروقت ادامه داشته است. او در سیمت معلم کلاسهای کودکان، معلم کلاسهای بزرگسالان، استاد در مؤسس علمی آزاد، و یکی از اعضای هیئت معاونت (هیئت که اصولاً برای الهام بخشیدن و تشویق و ترویج آموزش و یادگیری انتصاب میشوند) خدمت نموده است.

ایشان در اوائل سالهای ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) با خانم شهره خلخی ازدواج کرد و دارای دو پسر شد. فرید نعیمی، ۲۷ ساله، متأهل و فارغ التحصیل مؤسس عالی معارف امر است. سینا نعیمی، ۲۲ ساله، در رشته موزیک تحصیل نموده است.